

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۸۱ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۵۰ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۲/۰۳/۰۸



- دعایی مناجات گونه
- درخواست مغفرت و عفو توحیدی و موحدانه
- معنای استعمال مغفرت، عفو و تجاوز در قرآن کریم
- ۱. مغفرت
- ۲. عفو
- ۳. تجاوز
- سه حالت اساسی در مقام آمرزش خواهی
- پروردگار متعال «ذو فضل» است
- عفو خواهی و طلب آمرزش از فاضل مطلق
- سفره دار فضل پروردگار متعال
- حضرت رضا (علیه السلام)، مظهر نام الباسط پروردگار متعال

## دعای مناجات گونه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمند

این قطعه‌ای که محل بحث امروز ما است خیلی لطیف است و در فضای عمومی دعای شریف مکارم الاخلاق یک اوجی دارد که دیدید چه مضامین عالی و بلندی مطرح می‌شود، این جا یک حالت مناجاتی پیدا می‌کند، یعنی فضای دعای نورانی می‌رود به سمت مناجات. دعا وقتی حال و هوای مناجات دارد یک لطافتی پیدا می‌کند، فضای درخواست متفاوت است، تعبیر متفاوت می‌شوند، این طبع مناجات است. این جا خیلی نزدیک می‌شود به فضای مناجات لذا با بخش‌های قبلی فرق می‌کند، با بخش‌های بعدی هم متفاوت است. این قطعه یک قطعه جاگذاری شده و جانمایی شده بسیار شیرینی در متن دعای نورانی مکارم الاخلاق است.

«اللَّهُمَّ إِلَيَّ مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُمْ،  
وَإِلَيَّ عَفْوُكَ قَصَدْتُمْ، وَإِلَيَّ  
تَجَاوُزُكَ أَشْتَقُّ، وَبِفَضْلِكَ  
وَتَقَاتُ، وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا  
يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتِكَ، وَلَا فِي  
عَمَلِي مَا أُسْتَحَقُّ بِهِ عَفْوُكَ،  
وَمَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَيَّ  
نَفْسِي إِلَّا فَضْلِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ»

ایام پربیرکت دهه کرامت را به همه عزیزان تبریک عرض می‌کنم. از این که خداوند تبارک و تعالی توفیق داده در آستانه میلاد مسعود مولایمان حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌الآف والتحیه‌والثناء)، میهمان خان کرم حضرت زین‌العابدین و سیدالساجدین (علیه‌الصلوة‌والسلام) در دعای شریف مکارم الاخلاق هستیم خدای متعال را سپاسگزاریم.

## درخواست مغفرت و عفو توحیدی و موحدانه

ببینید خطاب به حضرت حق تبارک و تعالی این طور مطرح می‌شود: «اللَّهُمَّ إِلَيَّ مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ، وَإِلَيَّ عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَإِلَيَّ تَجَاوُزِكَ اِشْتَقْتُ» که این را معمولاً ما وقتی با هم می‌خوانیم می‌گوییم «وَإِلَيَّ تَجَاوُزِكَ شَتَقْتُ»، اشتیاق مطرح می‌شود. «وَإِلَيَّ بِفَضْلِكَ وَثَقْتُ» ببینید چقدر جالب. «اللَّهُمَّ» خطاب به حضرت حق تبارک و تعالی. «إِلَيَّ مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ» من میهمان مغفرت تو هستم، آمدم به ضیافت و میهمانی مغفرت تو «إِلَيَّ مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ»، همین جا آن‌هایی که اهل ادب هستند می‌گویند این ترکیب بیانی ترکیبی است که در آن حصر هست، «إِلَيَّ مَغْفِرَتِكَ، إِلَيَّ عَفْوِكَ، إِلَيَّ تَجَاوُزِكَ» یعنی فقط به سوی مغفرت تو آمدم. کاملاً محیطش محیط توحیدی

هم چنان که ملاحظه کردید فضا فضای عفو است، این جا از خدای متعال مغفرت و عفو درخواست می‌شود منتها نه یک درخواست معمولی، خیلی اوج دارد، شیوه درخواست مغفرت و عفو از ساحت غفور رحیم خیلی متفاوت است. یعنی چی متفاوت است؟ یعنی در یک قله‌ای از توحید مطرح شده، این شیوه درخواست خیلی توحیدی و موحدانه است. حالا اگر به امید خدای متعال با این قطعه از دعای مکارم دوستان اُنس بگیرند، حفظ کنند، با آن رفیق بشوند، یک پروازهای عجیبی دارد این جا، به انسان در محیط گفتگوی با حضرت حق و درخواست از خداوند تبارک و تعالی یک اوجی می‌دهد.

و گذشت تو و فقط به فضل تو اعتماد کردم «و ثقّت».

بعد می‌فرمایند «و لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفَرَتَكَ» یعنی پیش من چیزی که مغفرت تو را برای من لازم کند وجود ندارد. «و لیس عندی ما یوجب علی مغفرتک» حالا

تأکیدش را ببینید «و لَا فِی عَمَلِي مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ» در اعمال من هم هیچ عملی که من را مستحق عفو تو بکند وجود ندارد. حالا ببینید من این جا اکنون راجع به خودم یک قضاوتی کردم، حکمی صادر کردم راجع به خودم «وَمَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فُضْلُكَ»، حکم چه بود؟ این که من هیچ مستحق عفو تو نیستم، هیچ چیزی که به خاطر آن بخواهی من را ببخشی در کارنامه من وجود ندارد. ببینید این «لیس» چقدر این جا محکم است «و لیس

است. «اللَّهُمَّ إِلَيَّ مَغْفَرَتِكَ وَفَدْتُ وَ إِلَيَّ عَفْوُكَ فَصَدْتُ؛ به سوی عفو تو حرکت کردم و قصد کردم». باز به سوی تو. «الی مغفرتک الی عفوک؛ به سوی عفو تو». و سومی اش «و إِلَيَّ تَجَاوُزُكَ اشْتَقْتُ؛ به گذشت تو شدیداً اشتیاق دارم». خب این سه.

بعد «و بِفَضْلِكَ» باز همان است. «و بِفَضْلِكَ وَ ثَقَّتُ» تنها و تنها به فضل تو اعتماد کردم. ببینید این که می‌گوید «الی مغفرتک، الی عفوک، الی تجاوزک» و این جا هم که می‌گوید «و بفضلک» یعنی «لا الی غیرک و الی سواک» فقط تو «و بفضلک» این ترکیب بیانی که می‌گویند جار و مجرور وقتی مقدم می‌شود این‌ها افاده حضرت می‌کنند این جا، این جور موارد. فقط به فضل تو، فقط به مغفرت تو، فقط به عفو

**«عندی»** هیچ **«و لا فی عملی»** در اعمال من، در برنامه من، در وجود من چیزی که من را شایسته گذشت و عفو تو قرار بدهد وجود ندارد. **«ما استحق به عفوک»** خب من این جا یک حکمی کردم راجع به خودم با این حکمی که کردم که من مستحق عفو تو و شایسته گذشت تو نیستم یک راه بیشتر برای من نمی ماند **«و مآلی بعد أن حکمت علی نفسی إلا فضلک»** با این حکمی که من در باره خودم صادر کردم جز فضل تو من چیزی ندارم. فقط فضل توست. آن وقت شما ببینید در این سیری که در صحیفه مبارکه عرشیه سجادیه داشتیم جانمایی هایی که صلوات داشته را ملاحظه کردید، دیدید در محیط دعای امام (علیه السلام) صلوات کجا قرار گرفته.

**«فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ»** این جاست. این جا خودم را می برم در سایه سار محمد و آل محمد، استمداد می طلبم از عنایت خاص الهی در پرتو انوار محمد و آل محمد و به شفاعت آنها از تو چه می خواهم؟ فضل تو را می خواهم **«و تفضل علی»** چون من راهی غیر از این ندارم، فقط احسان و لطف توست، و الا من چاره دیگری ندارم. بنابراین ببینید فضای عمومی این عبارت بسیار عالی، بسیار شیرین و تا حد زیادی هم متفاوت است. شما این بحثها را دیدید، این جا حالش یک حال دیگری است، که امیدوارم ان شاء الله به عنایت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه آلف والتحیه والثناء) در ایام ولادت ایشان این را به کام ما بریزند، چون خیلی این



که غفور در قرآن کریم خیلی فراوان استعمال شده که نوعاً هم غفور در قرآن ترکیبی می‌آید. و ترکیب اصلی‌اش هم با رحیم است، غفور رحیم، معمولاً این دو اسم خدای متعال کنار هم است.

جمله شیرین و خاص است. خصوصیت این تعبیر عالم شما را کلاً عوض می‌کند، یک حال عجیبی در انسان به وجود می‌آورد. این جا چند مسئله است که خوب است به آن یک اشاره‌ای داشته باشیم.

### ۱. مغفرت

مغفرت به معنای پوشاندن است، یعنی پوشش دادن، سرپوش گذاشتن و مستور کردن. متها در استعمال قرآن کریم مغفرت و غفاریت خدای متعال و پوشاندن الهی دقیقاً به معنای آمرزش است. شما موارد استعمال را که می‌بینید این است، با ستار بودن خدای متعال فرق می‌کند. چون ستار هم داریم، ستر الهی هست، می‌گوید خدای متعال می‌پوشاند. این معنای عمیق‌تری دارد، این پوشاندن

### معنای استعمال مغفرت، عفو و تجاوز در قرآن کریم

مطلب اول این است که از جهت تعابیر، مغفرت، عفو و تجاوز مطرح شده. این سه یک معنا دارند ولی تعابیرشان مختلف است. دو تعبیر اول در قرآن کریم آمده و خداوند تبارک و تعالی هم به نامی براساس همین نامیده شده. یعنی در قرآن کریم الی ماشاءالله مسئله مغفرت با همین تعبیر مطرح شده. خدای متعال هم غفار، غفار، اهل المغفرة و مخصوصاً الغفور خودش را معرفی کرده



### ۳. تجاوز

سوم کلمه تجاوز است که این کمتر استفاده می‌شود. تجاوز یک وقت با «الی» است که به معنای «تعدی» است. در زبان فارسی به معنای تعرض به حقوق دیگران است. تجاوز کلمه بدی است پیش ما، یک کلمه منفوری است. این مال وقتی است که با «الی» گفته بشود ولی وقتی تجاوز عنه گفته می‌شود یعنی از آن صرف نظر کردن، چشم‌پوشی کردن، عبور کردن، به این معناست. دقیقاً باز می‌شود معادل همان آمرزش لذا این جا می‌گویید «و الی تجاوزک» این را پس باید شما در ذهن تان تنظیم کنید. تجاوز خدای متعال این جا یعنی چه؟ خطاب به حضرت حق می‌گویید، «و الی تجاوزک اشتقت» یعنی مشتاق تجاوز تو هستم،

یعنی آن عیب را برطرف کردن، این عیبی است که ما داریم؛ یعنی گناه. این عیب را خدای متعال می‌پوشاند یعنی برطرف می‌کند.

### ۲. عفو

کلمه دوم عبارت است از عفو، عفو باز با همین معنای آمرزش است، گویا به این معناست که خدای متعال آن عوارضی هم که بر اثر این گناه پیدا شده آن‌ها را هم برطرف می‌کند، یعنی هم خود آن گناه را و هم آثار و عوارضی را که به وجود آورد، این هم در آن تأکید می‌شود، «لا عفوک» و خداوند تبارک و تعالی هم خودش را عفو معرفی کرده که با تأکید است.

رفتن است. به این می‌گویند «وفود»، لذا «الوافدون» به معنای مثلاً میهمانان و این‌ها گفته می‌شود. این در دعاهای ما هم هست، در ماه رجب هست «خَابَ الْوَأْفِدُونَ عَلَيَّ غَيْرِكَ، وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَ ضَاعَ الْمُئْمِنُونَ إِلَّا بِكَ، وَ أَجْدَبَ الْمُتَشَجِّعُونَ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَ فَضْلَكَ، بَابُكَ مَقْتُوخٌ لِلرَّاغِبِينَ... خَيْرِكَ مَبْذُولٌ لِلطَّالِبِينَ، فَضْلُكَ مَبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، نَيْلُكَ مَطَاعٌ لِعَامِلِينَ... وَ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ» یادتان هست چقدر شیرین بود؟ «عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَيَّ الْمُسِيئِينَ» آن جَا، امام (علیه‌السلام) کلمه «وافدون» را استفاده کرده بود. «خَابَ الْوَأْفِدُونَ عَلَيَّ غَيْرِكَ» یعنی هر کسی به امید میهمان دیگران شد، سر خوان دیگران نشست،

یعنی آن عبور حضرت حق و چشم‌پوشی و گذشت او از ما، از گناه ما، از خطاها و از خرابکاری‌های ما، «و الی تجاوزک اشتتقت» مشتاق هستم. پس این سه کلیدواژه هر سه به معنای آمرزش است. پس یکی به معنای پوشش دادن است، دیگری به معنای محو کردن آثار است و سومی هم به معنای گذشت است.

### سه حالت اساسی در مقام آمرزش خواهی

در باره مغفرت از کلمه «وفد» استفاده شده. «اللهم الی مغفرتک وفدت» وفد، وفود، به معنای بر کسی وارد شدن. منتها هر ورودی را نمی‌گویند وفود، ورودی را می‌گویند که با امید و به قصد ضیافت صورت می‌گیرد و به نوعی در آن پناه گرفتن است، به نوعی در آن میهمان شدن است، سر سفره

علی الکریم بغیر زاد علی  
 عمل و لا قلب سلیمی» که  
 حالاً حال آن کسّی است که  
 از دنیا رفته، «وفدت علی  
 الکریم» من میهمان کریم  
 شده، با خودم هم هیچ  
 توشه‌ای نبردم. «وفدت علی  
 الکریم بغیر زاد و لا عمل  
 و لا قلب سلیمی» نه عمل  
 دارم، نه قلب سالمی دارم. بعد  
 می‌گوید «و حمل الزاد اقبح  
 کل شیء إذا کان الوفود علی  
 الکریم» درست نیست، زشت  
 است که من بروم خدمت  
 یک کریم و با خودم چیزی  
 ببرم. «و حمل الزاد اقبح کل  
 شیء إذا کان الوفود علی  
 الکریم» خیلی قشنگ است.  
 ان شاءالله روی قبر ما هم این  
 را بنویسند. من این بیت را  
 اولین بار که دیدم، روی سنگ  
 قبر جد بزرگوارمان، مرحوم  
 آیت‌الله آشپز احمد دماوندی  
 دیدم، آن سنگ قدیمی که یک

خسارت زده برخاست. «خاب  
 الوافدون علی غیرک» امید  
 به دیگری بست، به سفره  
 دیگری، به انعام دیگری، به  
 تکریم دیگری اگر امیدی  
 بست این خسارت زده  
 برخاست. ببینید چقدر تعبیر  
 عجیبی است. «خاب الوافدون  
 علی غیرک» رو آورد به سوی  
 غیر تو بیچاره می‌شود، خوار  
 می‌شود، بدبخت و خسارت زده  
 می‌شود. بنابراین راجع به  
 مغفرت از این تعبیر استفاده  
 شد، «الی مغفرتک وفدت».

سحری مشرف بودم حرم  
 مطهر حضرت معصومه  
 (سلام‌الله‌علیها). این جور که خاطر  
 هست روی مزار حضرت  
 آیت‌الله العظمی بهاء‌الدینی، قبلاً  
 به نظرم می‌آمد که روی مزار  
 حاج شیخ عبدالکریم حائری  
 بزرگ هم هست، این را تردید  
 کردم ولی این شعر را صبح  
 خیلی به چشمم آمد «وفدت

باره جمله سوم، این هم  
آمزش خواهی است. در جمله  
سوم که کلمه تجاوز استفاده  
شده «و الی تجاوزک اشتقت»  
یعنی مشتاقم، مشتاقانه آمدم  
به سوی گذشت تو که از  
من بگذری، مشتاقانه آمدم.

بنابراین ببینید هم وفدت، هم  
قصدت، هم اشتقت، این سه  
باید در وجود انسان مستقر  
بشود. حال تو، حال میهمان  
شدن و ورود بر کریم در مقام  
عفوش، حال تو، حال قصد  
داشتن است، قصد کردم یعنی  
من جدی‌ام، یعنی می‌خواهم  
بیایم به پناه عفو تو، در قصد  
جدیت دریافت می‌شود. در  
اشتقاق هم که دیگر شناخته  
شده است، اشتقاق است یعنی  
تمام وجودم اکنون مملو از  
خواهش و خواستن است. شوق  
طلب اکید است، یعنی وقتی  
انسان در او طلب شکل می‌گیرد  
طلبش وقتی به اوج می‌رسد

حکاک‌های خیلی خوشگلی روی  
آن شده بود به زحمت هم  
می‌شد بخوانی، آن را دیدم. آن  
اوایل جوانی مان خیلی برای ما  
جالب بود، دیدم این را نوشته و  
بعد هم دیگر حالا بقیه قضایا.

پس این می‌شود همان  
«وفود» به همین معنا. حالا  
شما حساب کنید مثلاً شما  
اکنون می‌روید به نماز، یک  
لحظه اگر بخواهید انقلاب  
روحی در شما پیدا بشود،  
از امام سجاد (علیه‌السلام) کمک  
بگیرید. «اللهم الی مغفرتک  
وفدت» ببینید چه حالی  
می‌شوید. تصرف می‌کنند  
حال انسان را عوض می‌کنند.

«و الی عفوک قصدت»  
قصد کردم یعنی حرکت  
کردم، عازم شدم، آمدم به  
سمت عفو تو، عفو تو اکنون  
مقصد و مقصود من است.  
«و الی عفوک قصدت» در

معرفی می‌کند. عنایت خودش را به اولیاء خودش با این کلمه معرفی می‌کند، به اولیاء کامل مخصوصاً ولی اعظم خاتم انبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم). در باره ائمه هدی (علیهم السلام) از همین تعبیر استفاده می‌کند، بعد در باره شهداء از همین تعبیر استفاده می‌کند، در باره اُمّت، اهل ولاء، شیعیان و پیروان اولیاء خدا از همین کلیدواژه استفاده می‌کند. بعد هم عموم را در یک عبارت، یک جاهایی مؤمنین را دعوت می‌کند که میهمان فضل او بشوند، بروند سراغ فضلش و از خوان کرشمش بهره‌مند بشوند.

و بعد خیال همه را هم راحت کرده، در شش آیه به اضافه یک، شش تا عمومی است یکی اختصاصی است. شش تا خطاب به همه مؤمنین است، البته مؤمنین که می‌گوییم حالا

می‌شود اشتیاق، والا به هر خواستنی که اشتیاق نمی‌گویند. وقتی انسان می‌خواهد به محضر حق تبارک و تعالی در مقام آمرزش خواهی شرفیاب بشود حالت اشتیاق در او باشد.

### پروردگار متعال «ذو فضل» است

بعد فرمود «و بفضلک وثقت»، من تنها و تنها و تنها، فقط و فقط و فقط به فضل تو امید بستم و اعتماد کردم. البته در همه آن سه جمله قبلی هم این فقط و فقط و فقط هست. این جا با تأکید مضاعف است «و بفضلک وثقت».

فضل از کلمات قرآنی است، در قرآن کریم خیلی مورد استعمال است، خدای متعال به این کلمه و کلیدواژه فضل عنایت دارد، تا آن جا که خدای متعال خودش را با این کلمه به عنوان «ذو فضل»

لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي  
مَغْفِرَتَكَ، وَ لَا فِي عَمَلِي مَا  
أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ، وَ مَا لِي  
بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي  
إِلَّا فَضْلُكَ» باز هم در جمله  
پایانی تکمیلش می‌کند «فَصَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَفَضَّلْ  
عَلَيَّ» ببینید مسئله، مسئله‌ی  
فضل است. دال مرکزی در این  
عبارت فضل است. یعنی با  
یک تمهیدی، با یک مقدماتی،  
با یک ترتیبی این جا امام  
(علیه‌الصلوة‌والسلام) می‌خواهد فضل  
خدای متعال را به رخ بکشد،  
جلوی چشم شما قرار بدهد،  
مورد خواهش و درخواست  
شما قرار بدهد که بعد برای  
شما معلوم بشود اگر عفو را  
می‌خواهی؛ فضل است، مغفرت  
را می‌خواهی؛ فضل است،  
تجاوز حق را می‌خواهی؛ فضل  
است. همه‌اش فضل است.

یک گروهی‌شان مثلاً فرض  
کنید مؤمنین زمان حضرت  
موسی (علیه‌السلام) است. یا شاید  
خطاب به عموم انسان‌ها  
است. یک جا خطاب به  
پیغمبر اکرم است. با همین  
تعبیر لولا، «لولا فضل الله  
علیکم و رحمته» ترکیب  
هم جالب است «و رحمته»  
همه‌اش کنارش هست. یک  
جا هم هست که خطاب به  
خود پیغمبر است «و لولا  
فضل الله علیک و رحمته».

این را در جغرافیای عمومی  
قرآن کریم خاطرتان باشد،  
حالا بحث‌های شیرینی دارد  
من یک وقتی این‌ها را  
مباحثه کردم الان نمی‌خواهم  
وارد آن بشوم، من خلاصه  
الخلاصه را به شما عرض  
کنم، آن جان کلام را که این  
جا مطلب واضح بشود که  
می‌گوید «و بفضلک و ثقت»  
بعد حضرت ادامه دادند «و

## عفوخواهی و طلب آموزش از فاضل مطلق

برای این که درک هم بکنی که این فضل است یک توضیح داده، توضیحش این است که از سمت من هیچ استحقاقی وجود ندارد. و به این ترتیب کلمه فضل می‌نشیند سر جای خودش. چنان که قبلاً خدمت‌تان عرض کردم فضل یعنی احسان ابتدایی. یک کسی در باره ما خوبی می‌کند، احسانی می‌کند، فرمود «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»<sup>۱</sup>. اگر کسی به شما احسان کرد آیا پاداش آن جز احسان است، خدا از چه کسی دارد می‌پرسید؟ «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» یعنی از فطرت انسان‌ها است، جوابش هم این است که جزای احسان جز احسان نیست، فقط خوبی است در برابر خوبی، اصلاً فرضی غیر از این ندارد.

در این آیه خیلی نکته‌های لطیفی نهفته است، ظاهرش ساده است، من یک وقت به شما گفتم آیاتی در قرآن کریم که به نظرتان معمولی می‌آید، همه حرف‌های اصلی خدای متعال در این آیات است.

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> عجب! گفتیم آنچه در چشم می‌رود خواب است، آنچه در جوی می‌رود آب است. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ آن‌هایی که می‌دانند با آن‌هایی که نمی‌دانند آیا با هم مساوی هستند» خب جواب هم این است که نه، کیست که جواب بدهد آره. خب با هم فرق می‌کنند. این جاها خبرهایی است، آن‌هایی که اهل تدبیر در قرآن کریم هستند این جاها بهره‌های خاص دارند، یکی هم همین آیه



وقت اگر تو این آیه را خوب بفهمی دوست داری زمین دهن باز کند تو را قورت بدهد، اگر بفهمی که خدای متعال چه گفته. «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» انسان در پیشگاه خدا اگر این را بفهمد که خدای متعال چه سؤالی کرد چنان سرشار از شرم و ندامت می‌شود، که می‌دانیید کلید آن هم در آن آیه دیگر است که فرمود «وَأَحْسَنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ»<sup>۳</sup> آن وقت این عفوخواهی آن معنای خاص خودش را پیدا می‌کند.

احسان یک وقت در برابر احسان است، به آن فضل نمی‌گوییم. یک وقت است که احسان ابتدایی است یعنی شما آغازگر یک مهرورزی، یک خدمت، یک هدیه دادن، یک عنایت به یک کسی هستید، این می‌شود فضل. با

است. «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»، همین آیه با همین سادگی و روانی‌اش از آیاتی است که خیلی اوج و پروازهای بلند می‌دهد به انسان.

استاد ما این جا که رسید این را گفت؛ فطرت. بعد گفت که آقا این مسئله فراتر از فطرت انسانی است. حتی در غریزه حیوانی هم هست. گفت به حیوان‌ها هم بگوییم می‌گوید نه. لذا اگر به حیوان لگدپران محبت کنی دیگر لگد نمی‌زند. آن که گاز می‌گیرد وقتی دست به سر و روی او بکشی عاشقت می‌شود، دنبالت می‌افتد، دیگر تو را رها نمی‌کند.

«هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»؛ چون نظرات مفسرین را می‌خوانید می‌گویند همین فطرت است، ایشان گفت نه آقا بالاتر است، قصه این است. آن

این ملاحظه که وقتی داری آن خدمت را انجام می‌دهی اولاً تو ابتداء می‌کنی. یک؛ دوم: از آن کسی که این خدمت را داری به او می‌کنی، این هدیه را به او داری می‌دهی، توقع هدیه و عنایت و چیزی هم نداری. پس هم مسبوق به احسان نیست، که از طرف به ما احسانی شده ما داریم به او احسانی می‌کنیم. نه، بلکه وقتی هم که شما دارید آن محبت را می‌کنید آن وقت توقعی از آن طرف ندارید که مثلاً حالا در برابر او به شما احسانی بکند یا در برابر او بخواهد پاسخی به شما بدهد، یک متی هم در کار شما هست، این می‌شود فضل. خدا رحمت کند، مرحوم آقای دولابی می‌گفت همه‌اش مفتی است. این می‌شود فضل. یعنی به ازائی ندارد. خوب حالا این را داشته باشید، فضل

به این معنا است. البته این جا محل بحث وسیع‌تری است ما نمی‌خواهیم الان وارد این بحث بشویم. می‌خواستم عرض کنم این جا که می‌فرماید «و بفضلک وفدت» این کلمه فضل را عنایت داشته باشید. امام سجاد (علیه‌السلام) این جا یک توضیحی می‌دهند، متنها توضیحش در باب مناجات خیلی لطیف است. می‌گوید «و لیس عندی ما یوجب لی مغفرتک» من آدمم مهمان مغفرت تو بشوم اما این جورری نیست که من چیزی داشته باشم در وجودم، در اخلاقم، در اندیشه‌هایم، چیزی داشته باشم که به واسطه داشتن آن، مغفرت تو بخواهد شامل حال من بشود. من که دستم خالی است، «و ما فی عملی ما استحق به عفوک» در اعمالم هم که عملی ندارم که بخواهم

از گناه، یک راه بیشتر وجود ندارد آن هم فضل توست. بعد حضرت می‌گویند «إِلا فَضْلَكَ فَضْلَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ تَفَضَّلَ عَلِيٌّ» صلوات این جا خیلی فوق‌العاده است.

### سفره‌دار فضل پروردگار متعال

اما جمله‌ای که می‌خواهم در پایان عرضم خدمت‌تان تقدیم کنم این است که خداوند تبارک و تعالی تجلی اعظم فضل خودش را در باره وجود اقدس حضرت خاتم سید الانبیاء خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

انجام داد. این جور که خاطر من هست در قرآن کریم یک بار با کلمه عظیم، یک بار هم با کلمه کبیر خطاب به پیغمبر گفت «وَ كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» یعنی خداوند تبارک و تعالی وجود اقدس پیامبر اعظم

آیه ۱۱۳ سوره مبارکه نساء ۴

به وسیله آن مستحق عفو تو بشوم. دستم که کامل خالی است «و مَالِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتَ عَلِيَّ نَفْسِي» که این می‌گویند مصدریه است یعنی بعد از این حکمی که من در باره خودم صادر کردم «أَنْ» این جا «أَنْ» مصدریه است. «و مَالِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتَ عَلِيَّ نَفْسِي إِلا فَضْلَكَ» با این حکمی که من در باره خودم صادر کردم من فقط و فقط فضل تو را دارم، چیز دیگری ندارم. فضل به همان معنا. یعنی آن عنایت خاص یک طرفه، همین. وَا لا مِنْ چِی دارم، چه حرفی دارم در پیشگاه تو بزنم؟ همان که گفتیم «بَغَيْرِ زَادٍ وَ لا عَمَلٍ وَ لا قَلْبٍ سَلِيمٍ» دست خالی خالی و البته کاش دستم خالی بود، بارم هم سنگین است. هم صفر الید هستم؛ دستم خالی است، هم پشتم سنگین است

است. «لقد آتینا آل ابراهیم  
ملکاً کبیراً» می‌گوید من  
همه چیز را به این‌ها دادم،  
حسودی تان می‌شود بروید  
در حسدتان بمیرید، بسوزید.  
خیلی حسودی‌شان شد  
نسبت به اهل بیت (علیهم‌السلام)  
و می‌شود. می‌گوید من تمام  
عالم را گذاشتم در اختیارشان،  
این ملک کبیر تمام محیط  
هستی است، در اختیار محمد  
و آل محمد (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجم

عین) است. «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ  
عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»  
ما همه را دادیم به این‌ها،  
خب یعنی چی؟ یعنی خداوند  
تبارک و تعالی از همه دعوت  
می‌کند که بروند سر سفره  
محمد و آل محمد (صلوات‌الله‌وسل  
امه‌علیهم‌اجمعین) که همان سفره  
خداست، رزق‌شان را بگیرند.

سوره مبارکه جمعه خیلی  
سوره عجیب و پر رمز و  
رازی است. در همین سوره

و نور محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را  
محیط درخشش فضل خودش  
قرار داده، فضل تام خودش،  
فضل کبیر خودش، فضل عظیم  
خودش، یعنی او را صاحب سفره  
خودش در محیط هستی قرار  
داده. سفره را داده دست پیغمبر.  
سفره‌دار فضل پروردگار متعال  
وجود اقدس اوست. بعد در  
این سفره‌داری آل محمد (صلوات  
الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین) را شریک کرد.

یک جا هم یک کنایه‌ای  
می‌زند که خیلی عجیب  
است. «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ  
عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ  
فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ  
وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مَلَكًا  
عَظِيمًا»<sup>۵</sup> حسودی‌شان می‌آید  
بگذار در این حسد بمیرند.  
این آل ابراهیم با یک لطفاتی  
آل محمد (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمع

ین) است. آن تعبیر «ملء ابيکم  
ابراهيم» که خیلی لطیف

۵ آیه ۵۴ سوره مبارکه نساء

قضیه این است، آن وقت یک چیزهای دیگری می‌گفتند. همه از او راضی می‌شوند، این قدر آقا است، این قدر کریم است، این قدر مهربان است.

### حضرت رضا (علیه‌الصلوة والسلام) مظهر نام الباسط پروردگار متعال است

من یک وقت برای شما توضیح دادم گفتم مهرورزی حضرت رضا (علیه‌الصلوة والسلام) از سوی خدای متعال اگر بخواهی تشبیه کنی باید بگویی مهرورزی مادرانه است. می‌رود ذیل نام رؤوف پروردگار متعال، مهرورزی مادرانه است. یعنی با عنایت، با جزئیات. و حالا یادتان باشد که خداوند تبارک و تعالی چه فضلی شامل حال ملت ایران کرده که این مضجع شریف در کشور ما است یعنی چی،

که سوره فضل است، دو جا هم فضل در آن آمده، که در آن سوره مبارکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۶</sup> آن‌هایی که مطلب را گرفته باشند می‌دانند کجا باید بروند ابتغاء فضل الله داشته باشند. می‌گوید «و ابتغوا من فضل الله» بروید سر سفره فضل خدا. و در این میان خداوند تبارک و تعالی در فضل‌گشایی، فضل‌رسانی، در بارش احسان، در گسترش مهر چنان جلوه‌ای کرده در مولای ما حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌آلاف التحية والسلام) که نه فقط دوستان حضرت را، می‌رود که دشمنان حضرت را هم راضی کند. که از حضرت جواد (علیه‌السلام) پرسیدند قضیه اسم رضا چیست؟ فرمودند

۶ آیه ۱۰ سوره مبارکه جمعه

خدا می‌خواهد چه کار کند با ملت ایران که این عنایت ویژه و لطفش را؛ یعنی جایی که بسط فضل الهی است. استاد ما می‌فرمودند حضرت رضا (علیه‌الصلوة‌والسلام) مظهر نام الباسط پروردگار متعال است. بسط و گسترده این سفره است.

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»<sup>۷</sup> آن وقت آن روایت می‌گوید که این جماعت همشهری‌های سلمان هستند که یک گروهی هستند که این‌ها «وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ \* ذَلِكُ فَضْلِ اللَّهِ»<sup>۸</sup> این آخرین چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند همشهری‌های سلمان هستند که این فضل الهی در باره آن‌ها یک فضل بزرگی است. یعنی خدای متعال این جا سنگ تمام گذاشته. بسط دهند فضل خودش را آورده در کانون زیست شما قرار داده تا به این ترتیب شما سفره‌دار فضل الهی برای سایر اُمم بشوید. تمام مباحث مربوط به انقلاب اسلامی در همین کلمه جمع‌بندی می‌شود. تمام بحث‌های مربوط به انقلاب و معارف انقلاب روی این کلمه

خداوند تبارک و تعالی این نعمت را به ایرانی‌ها عطا کرده بعد هم در سوره مبارکه جمعه یک جای دیگر هم آمده سراغ ملت ایران به دلالت آن جمله‌ای که از پیامبر اعظم داریم در تفسیر. آن جا سخن از یک کسانی است که هنوز نیامدند. هنوز از راه نرسیدند. در باره آن‌ها عطای فضل الهی این جا مطرح می‌شود و می‌گوید که این فضل خداوند تبارک و تعالی در باره این‌ها است. «ذَلِكَ فَضْلِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ

۷ آیه ۴ سوره مبارکه جمعه

۸ آیات ۳ و ۴ سوره مبارکه

است. این همه سروصداها  
و برویاه‌ها، این‌ها همه روی  
این کلمه است. حضرت رضا  
(علیه‌الصلوة‌والسلام) الله اکبر و العظمة لله.

اکنون در آستانه ولادت آن  
حضرت هستیم. ان شاءالله  
خداوند تبارک و تعالی  
همه ما را از عنایت و لطف  
و فضل آن حضرت بهره  
فراوان نصیب کند به برکت  
صلوات بر محمد و آل محمد.  
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»







افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰  
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر